

معرفی و بررسی انتقادی کتاب «شبهات عن بنی امیه»*

سید حسین رشیدی فرد**

چکیده

تلاش جریان سلفی در دوره معاصر بر تطهیر بنی امیه شدت گرفته است. طرفداران این جریان فکری با وارونه جلوه دادن حوادث و استفاده از معیارهای دوگانه سعی بر مشروعیت بخشی به عقاید و باورهای خویش دارند. کتاب «شبهات عن بنی امیه» از این منظر شایسته اهتمام است. مؤلف کتاب دکتر شحات رمضان جمعه، استاد فقه تطبیقی دانشگاه الشرق العربی ریاض است. کتاب فوق توسط مکتبه الرشد از مهمترین و گسترده ترین انتشارات عربستان سعودی در سال ۱۴۳۳ق چاپ و حتی در سایر بلاد اسلامی مانند قاهره و بیروت بازپخش شده است. مؤلف در این کتاب با تأکید بر اهمیت تاریخ و اشاره به آیات قرآن و سفارش بزرگان دین بر عبرت گرفتن از وقایع و رخدادهای تاریخی پرداخته است. همچنین با بیان اسباب و علل تحریف تاریخ بنی امیه، به تطهیر کامل شخصیت های بنی امیه از جمله عثمان، ابوسفیان، معاویه، هند بنت عتبّه، یزید بن معاویه، مروان بن ابی العاص و... پرداخته و آنها را از هر ذم و ابرامی بری می داند. تلاش وی در رد ظلم و جنایات بنی امیه به اهل بیت علیهم السلام و انتساب این جنایات تاریخی به غیر بنی امیه با توجه علاقه مسلمانان به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از نقاط قوت ترویج و انتشار تفکر سلفیان نوظهور در این کتاب است. همچنین تلاش مؤلف بر گردآوری تمامی شبهات وارده بر بنی امیه و رعایت اسلوب علمی برای دفاع از مطاعن وارد بر بنی امیه از دیگر نقاط قوت این کتاب می باشد. در این نوشتار با بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب فوق به بیان سرفصل ها، معرفی رجال بنی امیه، فضایل رجال بنی امیه، اسباب تحریف تاریخ بنی امیه، شبهات وارد بر عملکرد و شخصیت های این قبیله، پاسخ شبهات مصنف کتاب و بررسی وی در پاسخ به شبهات وارده خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: شبهات عن بنی امیه، اسباب تحریف تاریخ بنی امیه، رجال بنی امیه، فضایل

بنی امیه، مطاعن بنی امیه: شبهات وارد بر بنی امیه، دفع و پاسخ دهی به شبهات.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث: قم، ایران: (Sydhsynrshydyfrd@gmail.com).

مقدمه

بنی‌امیه از تیره‌های بزرگ قریش است که شماری از آنان قریب یک سده (۴۱-۱۳۲ق) بر سرزمین‌های اسلامی حکومت کردند. حکومت امویان با آغاز خلافت معاویه در سال ۴۱ق آغاز و در ۱۳۲ق با شکست مروان بن محمد (مروان حمار) و کشته‌شدنش به پایان رسید. در این سال‌ها ۱۴ تن از این دودمان خود را خلیفه ممالک اسلامی می‌خواندند. پس از معاویه بن یزید (معاویه ثانی)، خلافت امویان به مروان بن حکم و فرزندان او (شاخه مروانی) انتقال یافت. بر اساس برخی روایات بنی‌امیه، شجره ملعونه مورد اشاره در قرآن کریم هستند. جاعلان حدیث در سده‌های نخست هجری در جهت مشروعیت حکومت امویان (۴۱-۳۲ق) احادیثی برساخته را گزارش کرده‌اند که بعدها در منابع روایی عامه بازنشر شده است. این اندیشه توسط وهابیت و سلفیان هر روز بعد جدیدی یافته و در حال گسترش است. «کتاب شبهات عن بنی‌امیه» از جمله آثاری است که به تطهیر چهره بنی‌امیه و پاسخگویی شبهات پیرامون رجال حاکم بر بنی‌امیه پرداخته است. این کتاب اولین بار در سال ۱۴۳۳ هـ.ق توسط مکتبه الرشید در ۶۷۹ صفحه چاپ و روانه بازار گردید و در کمتر از دو سال برای دومین بار تجدید چاپ و در سایر بلاد اسلامی مانند بیروت و قاهره بازپخش شده است. کتاب فوق از گونه کتاب‌های تحلیل انتقادی است که به دنبال تقدیس چهره امویان و پاسخ‌دادن به تمام اشکالاتی است که در طول تاریخ از سوی مسلمانان و جامعه بشری نسبت به بنی‌امیه وارد بوده است. مصنف در کتاب حاضر با ظاهری عقل‌گرایانه به دنبال تطهیر چهره بنی‌امیه از شبهاتی است که برخی مورخان اسلامی و روشنفکران مطرح کرده‌اند؛ اما آنچه در حقیقت پیشروی خواننده قرار گرفته است، تصویر دیگری از تفکرات سلفی‌هایی چون احمد بن حنبل، ابن تیمیه، و ابن جوزی است. مصنف در رعایت اسلوب به‌ظاهر علمی برای پاسخ‌دادن به شبهات مطرح شده درباره عملکرد و شخصیت‌های بنی‌امیه، همچنین ظلم و جنایات آنان به اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام با توجه به علاقه مسلمانان نسبت به آنان، این جنایات را به غیر بنی‌امیه نسبت داده است. همچنین نقل گفتگوهای عاطفی میان خاندان بنی‌امیه و ائمه معصومین علیهم‌السلام در وقایع تاریخی مانند جریان قتل عثمان و شهادت امام حسین علیه‌السلام در کتاب پیشرو، رویکردی بدیع از طرف مصنف برای ترویج و تبلیغ تفکر این جریان فکری است. از دیگر سو وجود متون مستبعد و شاذ، برخورد گزینشی، تفسیر به رأی، عدم تتبع کافی همراه با تعصب و گرایش‌های فرقه‌ای از نقاط ضعف کتاب در مواجهه علمی با مسائل

طرح شده در کتاب پیشرو است. پژوهش حاضر با معرفی و بررسی اجمالی کتاب «شبهات عن بنی امیه» به بررسی و نقد علمی اسباب تحریف تاریخ بنی امیه از سوی مصنف پرداخته است.

الف. معرفی کتاب شبهات عن بنی امیه

۱۶۳



«کتاب شبهات عن بنی امیه» در یک مقدمه چهل صفحه‌ای و هفت فصل در ۶۷۹ صفحه با جلد گالینگور، ظاهری زیبا و باکیفیت از لحاظ جلد و حروفچینی توسط مکتبه الرشد چاپ و منتشر گردیده است.

در مواجهه با ظاهر کتاب، به جز زیبایی و کیفیت چاپ و جلد و حروفچینی که در اولین نگاه دیده‌ها را به خود جلب می‌کند؛ مصنف در مقام یک پژوهشگر نوگرا به دنبال نمایاندن الگویی جدید در مواجهه با گزارش‌های تاریخی نکوهشگران بنی امیه، به توجیه و نقد شبهات وارد بر این خاندان پرداخته است؛ به گونه‌ای که مخاطب در ابتدای امر اثری علمی و پژوهشی را روبه‌روی خود می‌بیند؛ اما در حقیقت آنچه ارائه شده، بازتولید افکار ابن تیمیه، احمد بن حنبل، بر بهاری و ابن جوزی است که با شیوه‌ای نوگرایانه به مخاطب القا می‌شود. مؤلف مقدمه کتاب را عالمانه و به‌ظاهر آزاداندیشانه شروع کرده است؛ اما تعصب و گرایش‌های فرقه‌ای از صفحات آغازین کتاب و انتهای مقدمه مؤلف هویدا است. در کنار نقاط قوت ظاهری کتاب با تأمل و بررسی در میابیم که کتاب فوق از لحاظ فصل‌بندی از مشکلاتی چون عدم ترتیب مناسب مطالب و نظم ساختاری رنج می‌برد.

۱. نگاهی اجمالی به عناوین فصل‌ها

- کتاب فوق در ۶۷۹ صفحه، شامل یک مقدمه و هفت فصل چاپ گردیده است.
- مقدمه دکتر محمد بن یحیی النجیمی^۱ بر کتاب حاضر؛ وی ابتدا به بیان اهمیت تاریخ و لزوم رجوع علمی و نگاه تحلیلی به تاریخ پرداخته است و در نهایت با تعریف و تأیید مؤلف، کتاب حاضر را به‌عنوان اثری کارآمد جهت بازنگری علمی و تحلیلی در مواجهه با روایات تاریخی معرفی کرده است.

۱. استاد فقه مقارن و عضو شورای فقهای اسلامی آمریکا و کارشناس بین‌المللی فرهنگستان فقه جده.

- مقدمه مدخل الی الدراسات التاريخية (مقدمه مؤلف: مصنف در این بخش به اهمیت علم تاریخ، اهتمام پیشینیان نسبت به این علم، انگیزه‌های تحریف تاریخ از سوی برخی جریان‌های وابسته و الگوی صحیح مواجهه با روایات تاریخی پرداخته است).^۱
- شبهات عن بنی‌امیه: بیان مهم‌ترین اسباب تحریف تاریخ بنی‌امیه و زمینه‌های پذیرش این روایات از جانب مسلمانان.
- فصل معرفی رجال بنی‌امیه، که خود دارای هفت فصل است.
- بخش اول عثمان بن عفان: پس از معرفی عثمان و ذکر فضایل وی به بررسی و پاسخگویی به شبهات مطرح شده درباره خلیفه سوم و جریان قتل وی اشاره شده است.^۲
- دور ابن سبأ فی الفتنة: در این صفحات به بررسی اقوال وجود شخصیت عبدالله بن سبأ و نقش وی در فتنه قتل عثمان و دیگر وقایع تاریخی در ۴۰ صفحه اشاره شده است.^۳
- بخش دوم ابوسفیان بن حرب: در این بخش ابتدا به معرفی، فضایل، بیان شبهات وارده بر ابوسفیان و نقد و بررسی شبهات اشاره شده است و در انتها نیز با معرفی هند بنت عتبه (همسر ابوسفیان) به بیان فضایل و پاسخگویی شبهات وارده بر وی پرداخته است.^۴
- بخش سوم معاویه بن ابوسفیان: مصنف در این قسمت به معرفی و ذکر فضایل معاویه پرداخته است؛ در ادامه با برشماری شبهات وارد بر معاویه به بررسی و نقد شبهات مطرح پرداخته است. از مهم‌ترین این شبهات کینه و ناراحتی مردم از معاویه به‌خاطر موضع‌گیری وی در برابر امیرمؤمنان علی علیه السلام و جریان حکمیت است که مصنف در ۴۸ صفحه (۴۲۴-۴۷۲) به بررسی و پاسخ این دو شبهه پرداخته است.^۵
- بخش چهارم یزید بن معاویه: بر خلاف سایر رجال بنی‌امیه در این فصل خبری از ذکر فضایل نیست. مولف پس از معرفی یزید به بیان روایات و نصوص تاریخی در مذمت وی و بررسی سندی این روایات و تضعیف آنها پرداخته است. در ادامه در بخشی با عنوان "ما انتقد علیه و اتهم به" به پاسخگویی شبهات و مطاعن وارد بر وی می‌پردازد. دکتر شحات رمضان جمعه در

۱. ص ۹ تا ۳۹.

۲. ص ۴۵-۲۲۶.

۳. ص ۲۲۸-۲۶۸.

۴. ص ۲۶۹-۳۰۸.

۵. ص ۳۰۹-۴۸۲.

جواب ششمین انتقاد و اتهام یزید " وقعة خروج الحسین بن علی رضی الله عنه و مقتله"، این واقعه را فاجعه‌ای بزرگ که مسلمانان بدان مبتلا گردیدند معرفی نموده و قبل از بحث پیرامون این موضوع به ذکر مقدمه‌ای درباره مدح و ستایش پیامبر درباره صلح و نکوهش جنگ پرداخته است. مصنف با کنایه به قیام ابی‌عبدالله علیه السلام که به وصیت برادرش امام مجتبی علیهما السلام درباره عدم اعتماد به مردم کوفه عمل نکرده است؛ عامل شهادت وی را شیعیان و کوفیانی که برایش نامه نوشتند دانسته است. در انتها نیز با ذکر واقعه حره و به منجیق بستن کعبه به بررسی دیدگاه علمای اهل سنت درباره لعن یزید می‌پردازد.^۱

- بخش پنجم معاویه بن یزید بن معاویه (معاویه الثانی) مصنف فقط در یک صفحه به جریان کناره‌گیری وی از خلافت و شبهه قدری بودن معاویه ثانی به‌طور خلاصه پرداخته است.
- بخش ششم مروان بن حکم بن ابی العاص: مصنف پس از معرفی وی ابتدا به عدم اسناد داستان لعن و تبعید پدرش توسط پیامبر پرداخته، در ادامه به بررسی و نقد شبهات وارده بر وی می‌پردازد.^۲
- بخش هفتم عبدالملک بن مروان بن الحکم بن ابی العاص: مصنف در دو صفحه به ذکر فضایل وی پرداخته و در سه خط با عنوان "و ینکر علیه" به ذکر مطاعنی که بر وی وارد است پرداخته است.^۳
- مقالات و نصوص فی بنی‌امیه عموماً: در این قسمت به ذکر مناقب و فضایل خاندان بنی‌امیه و همچنین مطاعن وارده بر این دودمان (مانند حدیث منبر) به‌طور عام اشاره شده است.^۴
- تتمه به ذکر بعض نصوص الفتنة: این بخش کتاب در بردارنده سه روایت درباره فتنه جمل می‌باشد.^۵
- قائمة المراجع: فهرست ارجاعات کتاب: مصنف در بخش فهرست، ۲۱۴ کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ای را که در تألیف کتاب از آنها بهره برده، به‌صورت فهرست الفبایی ذکر نموده است.^۱

۱. ص ۴۸۲-۵۵۹.

۲. ص ۵۶۱-۶۲۹.

۳. ص ۶۲۹-۶۳۱.

۴. ص ۶۳۲-۶۳۷.

۵. ص ۶۳۸-۶۴۰.

۲. نگاهی به مقدمه: (مدخل الی الدراسات التاريخية)

مؤلف، مقدمه کتاب خود را با عنوان درآمدی بر مطالعات تاریخی آغاز نموده است. وی در مقدمه به اهمیت علم تاریخ، اهتمام پیشینیان نسبت به این علم، تلاش و جدیت فقها نسبت به تاریخ جهت تبیین احکام فقهی، بیان ویژگی‌های مورخ و دانش‌های مورد نیاز وی، عدم اعتماد به مجرد نقل اخبار گفته شده و لزوم تتبع و تحلیل نقل‌های تاریخی از سوی مورخ، تعریف، موضوع و غایت علم تاریخ، اهمیت علم تاریخ در پیدایش تمدن‌های نوظهور و فروپاشی تمدن‌های گذشته، انگیزه‌های تعدد تحریف تاریخ از سوی برخی افراد وابسته به جریانی خاص با امیال شخصی، آثار و فواید مطالعات تاریخی، منابع تاریخی، تقسیم دوران تاریخ بشری از ابتدای خلقت آدم عَلَيْهِ السَّلَام تا به امروز، الگوی صحیح مواجهه با روایات تاریخی و تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاران در مواجهه با نقل‌های تاریخی پرداخته است. وی تاریخ را یگانه راه شناخت آثار و برکات اسلام در میان امت اسلامی و جامعه بشری دانسته است.

مصنف در جستار اهمیت علم تاریخ در شناخت عوامل فروپاشی تمدن‌ها، کثرت دشمنان و انگیزه‌های داخلی و خارجی را از عوامل مهم انحطاط تمدن‌ها در طول تاریخ دانسته است. وی دو وزیر بزرگ شیعه یعنی ابن علقمی و خواجه نصیرالدین طوسی را عامل اصلی برانگیختن مغول بر علیه حکومت بنی‌عباس و انقراض این سلسله می‌داند. همچنین شیعیان (رافضه) را یاری‌کنندگان مشرکین و اهل کتاب بر علیه مسلمانان از جمله قوم مغول بر علیه حکومت بنی‌عباس معرفی کرده است.

ب. مولف و دفاع از بنی‌امیه

مؤلف پس از بیان مقدمه‌ای نسبتاً طولانی در ۳۰ صفحه که آن را زمینه‌ساز فهم و درک موضوع اصلی کتاب می‌داند؛ به تطبیق عملی مباحث تاریخی بیان شده در مقدمه با موضوع کتاب یعنی پاسخگویی به شبهات وارده پیرامون سلسله بنی‌امیه پرداخته است. وی در ادامه با اشاره به فترت زمانی بین عهد نبوی و خلفا راشدین با دولت اموی این فاصله زمانی را زمینه‌ساز انحراف تاریخ بنی‌امیه در ذهن مردم دانسته و می‌گوید: "برخی گمان کرده‌اند که دولت اسلامی فقط در عهد پیامبر و خلفای راشدین برقرار بوده است. برخی پا را فراتر گذاشته، وجود آن را فقط در زمان دو خلیفه

اول پذیرفته‌اند. عده‌ای دیگر دولت اسلامی را در خارج از اساس غیرممکن دانسته و وجود آن را زیر سؤال برده‌اند. برخی دیگر تأیید حکومت اسلامی در جامعه را منوط به زمانی می‌دانند که پایه و اساس آن بر زندگی بادیه‌نشینی و سادگی در زندگی باشد؛ لذا هنگام رسیدن این تمدن به سرزمین‌های فارس و روم و ارتباط با این دو حکومت بزرگ، دیگر این تمدن جدید را تمدن و حکومت اسلامی نمی‌دانند. دلیل این عده پیداشدن اختلاف بین صحابی بزرگوار رسول خدا ﷺ است. آنان علی‌ع‌س‌آله را نماینده زندگی مسلمانان و اصحاب پیشرو، پایبند و پیرو پیامبر ﷺ و معاویه را نماد نفوذ تمدن روم در شام دانسته‌اند. این باور مهم‌ترین سبب پیدایش برخورد دو تمدن و بروز درگیری و نزاع نزد غرض‌ورزان و بدخواهان تمدن اسلامی گردیده است."

ج. اسباب تحریف و تشویه تاریخ بنی‌امیه

مؤلف در ادامه به بازشماری مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار تحریف تاریخ بنی‌امیه پرداخته است. وی اولین عامل این چالش تاریخی را، شخصیت‌ها و رجال بنی‌امیه مانند معاویه، یزید بن معاویه، ولید بن یزید، عبدالملک، مروان و حکم بن ابی العاص و تهمت‌های ناروا به آنان معرفی کرده است. رقابت سیاسی میان بنی‌امیه و بنی‌عباس با توجه به نگارش کتب تاریخی در زمان بنی‌عباس به‌عنوان دومین عامل معرفی شده است. سومین سبب تحریف تاریخ بنی‌امیه، دشمنی قدیمی و کورکورانه برخی فرقه‌ها مانند شیعیان و خوارج به دلیل سوءاستفاده از آنها در دولت‌ها است. به وحشت افتادن عواطف و احساسات پاک مسلمانان و مؤمنان از برخی حوادث و فتنه‌های بزرگ دلیل دیگر این تحریف تاریخی از سوی مصنف شمرده شده است. وی انتقال حکومت از شورا به پادشاهی را دلیل دیگر این چالش تاریخی برای بنی‌امیه دانسته است. از مهم‌ترین این عوامل، مصیبت‌های بزرگ و اندوه‌باری است که بر اهل بیت پیامبر ﷺ وارد شد که با کشته‌شدن حسین بن علی ع‌س‌آله آغاز گردید. همچنین حوادثی که برای مسجدالحرام و مسجدالنبی اتفاق افتاد (تخریب کعبه با منجنیق و واقعه حره در مدینه) را نباید از یاد برد. از دیگر عوامل این مسئله، حوادث و مصیبت‌هایی است که آل زبیر بدان دچار گردیدند. مصنف، شدت ظلم و قساوت برخی حاکمان بنی‌امیه مانند حجاج، زیاد و عبیدالله بن زیاد را از دیگر عوامل تحریف تاریخ بنی‌امیه برشمرده است. دکتر رمضان جمعه آخرین عامل انحراف تاریخ بنی‌امیه را گسترش اخباری که بدون مطالعه و بررسی شخص راوی و قصد وی، خواسته یا ناخواسته بر سرزبان‌ها افتاد؛ مانند شایعات فراوان در نکوهش بنی‌امیه و برخی متون

نادرست و دروغین در مذمت معاویه نظیر حدیث منبر برشمرده است.

د. عوامل پذیرش شایعات و روایات دروغین درباره بنی امیه

مصنف پس از بیان اسباب تأثیرگذار قبول این گونه روایات از سوی مسلمانان، به تحلیل و بررسی این عوامل پرداخته و می‌گوید: روح انسانی به همدردی با شخص مصیبت‌زده آرامش پیدا می‌کند. این ویژگی موجب زیادت در گزارش‌های تاریخی است؛ و مبالغه و گزافه‌گویی درباره چنین اخباری در جهان عرب بسیار فراوان است. اما همه چیز قابل بررسی و موشکافی تاریخی است و میان تطبیق اصول اسلامی در مواجهه با اخبار به‌عنوان یک منهج صحیح و تکیه بر عواطف و احساسات خشک و بدون تعقل باید فرق گذاشت.

تمام این حوادث و مصیبت‌های بزرگ به‌صورت اخباری عادی برای مردم گزارش می‌شود، اما حادثه کربلا به‌گونه‌ای دیگر و با حال و وصفی متفاوت، که دلیل آن هم فقط تحریک مسلمانان است. به‌درستی که همه این موارد به‌گونه‌ای است که وجود دست‌هایی برای تحریف تاریخ این برهه زمانی را برای ما آشکار می‌سازد. به‌راستی چرا برای حسین علیه السلام ویژگی‌های فراوانی برگزیده و باقی اولاد علی علیه السلام را رها کرده‌اند؟

به‌رحال دشمنان بنی‌امیه از این موارد استفاده کرده و به بهره‌برداری خود با تحریف این برهه زمانی پرداختند و این‌گونه است هر بدخواه فتنه‌گری که برای تحریف تاریخ در کمین نشسته است. پس بر بنی‌امیه تاختند و آنان را خارج از اسلام دانستند؛ و پا را از این فراتر گذاشته و احدی از اصحاب پیامبر از انتقاد آنان در امان نماند، حتی کسانی که با علی علیه السلام بودند مانند ابوموسی اشعری، ابن عباس و غیر از آنان نیز از یورش آنان در امان نبودند و این سیره آنان در برخورد با صحابی پیامبر به خلفای راشدین نیز تسری یافت و با مهتران و بزرگان خویش به‌گونه‌ای برخورد کردند که یهود و نصاری این چنین با بزرگان خویش نکردند. اما مالک‌اشتر نخعی رهبر شورشیان و عامل اصلی قتل عثمان را به‌خاطر حمایتش از علی علیه السلام می‌ستایند و ظلم و کشته‌شدن عثمان به‌دست وی را به فراموشی می‌سپارند.

جان کلام مؤلف در این کتاب، در قسمت پایانی مقدمه یعنی بیان اسباب و علل تحریف تاریخ بنی‌امیه خلاصه شده است. نگارنده مقاله در بخش پایانی به نقد و بررسی دیدگاه دکتر شحات رمضان جمعه درباره حقیقت تحریف تاریخ بنی‌امیه خواهد پرداخت.

هـ. رجال بنی‌امیه در نگاه مؤلف

دکتر رمضان جمعه پس از بازشماری علل تحریف تاریخ بنی‌امیه و اسباب پذیرش روایات دروغین این تحریف به معرفی رجال بنی‌امیه در هفت فصل جداگانه پرداخته است.

۱. عثمان بن عفان

در ابتدا به معرفی عثمان بن عفان پرداخته و هم‌رتبه بودن وی با پیامبر ﷺ در جد چهارم یعنی عبد مناف را از فضایل وی برشمرده است. همچنین همسری دو دختر از دختران پیامبر را از افتخارات ویژه وی برشمرده است. دو بار هجرت در راه دین (حبشه و مدینه)، وعده بهشت از سوی رسول خدا ص، یکی از ده نفری که رسول خدا به آنها وعده بهشت داده است، سومین از خلفای راشدین و شهادت مظلومانه در مدینه از دیگر افتخارات عثمان در نظر مصنف است. در ادامه با برشماری روایاتی چند در فضیلت عثمان و بررسی سند این روایات در پاورقی به بررسی اخبار فتنه و قتل عثمان پرداخته است. وی با برشماری کتبی که درباره قتل عثمان نوشته شده است به هفت کتاب از جمله کتاب مقتل عثمان ابومخنف، الفتوح الکبیر و الرده سیف بن عمر تیمی، مقتل عثمان معمر بن مثنی التیمی، الرده و الدار واقدی، مقتل عثمان عبدالله بن ابی سیف المدائنی، مقتل عثمان عمر بن شبه بصری و مقتل عثمان سعید بن هلال ثقفی اشاره کرده و به جرح و تعدیل نویسندگان این کتب و اخبار آنها از دیدگاه علم رجال پرداخته است. همچنین با استقصا و تفحص روایاتی که به بیان جریان قتل عثمان پرداخته، به بررسی متن و سند این روایات یازده‌گانه از دیدگاه علم رجال و درایه و سنجش این روایات تاریخی با باورهای سلفی‌های حاضر مانند ابن تیمیه پرداخته است. در نهایت با اشاره به قول کسانی که محمد بن ابی‌بکر را جزو قاتلین عثمان برشمرده‌اند و تلاش در رد ادعای آنان با تضعیف راویان این قول، با توجه به سن محمد بن ابی‌بکر صفحاتی را به ملاک صحابی بودن اطفال اختصاص داده و با نقل کلام ابن تیمیه درباره عدم صدق ملاک صحابی بودن محمد بن ابی‌بکر، بخش جرح و تعدیل اخبار وارده درباره قتل عثمان را به پایان می‌رساند.

در صفحه ۱۱۷، به دلایل سرزنش عثمان و شبهاتی که پیرامون شخصیت و عملکرد وی از طرف مخالفین وارد بوده به دفاع از عثمان و پاسخ به شبهات پرداخته است. در این بخش تمامی شبهاتی که پیرامون شخصیت و نحوه عملکرد عثمان وارد بوده مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. مصنف با برشماری ۳۷ شبهه مطرح در این باره به نقد رجالی این روایات و شبهات مطرح در کتب تاریخی همت گماشته است. وجود تعصب، گرایش‌های فرقه‌ای و خلط بحث علمی با بحث‌های عاطفی از سوی مصنف در پاسخ به شبهات وارد به وضوح دیده می‌شود.

از دیگر مباحث مطرح شده در کتاب که فصلی را حدود ۴۰ صفحه به خود اختصاص داده است؛^۱ نقش عبدالله بن سبأ در فتنه قتل عثمان است. دکتر رمضان جمعه با ذکر اخبار و روایاتی که نام ابن سبأ در آنها ذکر شده به اولین منبع تاریخی که نام عبدالله بن سبأ در آن آمده؛ یعنی کتاب سیف بن عمر پرداخته و آن را از دیدگاه رجالی تضعیف نموده است. در ادامه به حقیقت ابن سبأ و کسانی که به وجود و نقش او در تاریخ تصریح کرده‌اند، پرداخته و به ذکر مثبتین و منکرین وجود شخصیت ابن سبأ در نزد شیعه پرداخته است. همچنین برای پاسخ این سؤال که چرا شیعیان وجود ابن سبأ را در تاریخ نفی می‌کنند، می‌گوید: "لنفی التائیر الیهودی فی عقاید الشیعه".^۲ وی در ادامه با بیان عدم منفرد بودن روایات سیف بن عمر در ذکر نام ابن سبأ در تاریخ به دنبال اثبات وجود این شخص و نقش وی در تحریک فتنه پرداخته است. همچنین عبدالله بن سبأ و طرفدارانش را عامل پی کردن شتر عایشه در جنگ جمل دانسته است. نکته قابل تأمل، تأثیرپذیری مصنف از افکار و کتاب القفاری است، به گونه‌ای که ادعاهای القفاری درباره نقش عبدالله بن سبأ در پیدایش و تاریخ شیعه بدون کم‌وکاست در این بخش از کتاب تکرار شده است. مصنف مصیبت قتل عثمان را بزرگ‌تر از قتل علی ع دانسته است و در صفحاتی از کتاب با بیان حکایت جزای دنیوی کسانی که عثمان را آزار و اذیت کرده و به قتل رساندند با ذکر روایاتی مضحک مانند نابینا یا معلول شدن قاتلان عثمان در دنیا این بخش را به پایان رسانده است.^۳

۱. ص ۲۲۸.

۲. ص ۲۵۰.

۳. ص ۲۶۷.

۲. ابوسفیان بن حرب

نفر دوم از رجال بنی‌امیه که مصنف به دفاع از وی بر خواسته است، ابوسفیان دشمن دیرین اسلام و پیامبر اکرم ﷺ است. مصنف در بیان فضایل ابوسفیان به پذیرفته شدن توبه وی از سوی خداوند

۱۷۱

پس از لعن پیامبر در جنگ احد و نزول آیه ۱۲۸ سوره آل عمران «لَیسَ لَکَ مِنَ الْأَمْرِ شَیْءٌ وَ

یَتُوبُ عَلَیْهِمْ وَ یَعْذِبُهُمْ...»؛ فتاب علیهم فاسلموا فحسن اسلامهم^۱ اشاره می‌کند. همچنین توفیق دیدار و صحابی رسول خدا بودن از دیگر فضایل وی شمرده شده است "و من رآه بعینه و آمن به لو ساعه افضل بصحبته من التابعین و لو عملوا کلّ اعمال الخیر" (شرح اصول اعتقاد اهل السنه و الجماعه للالکابی ج ۱ ص ۱۸۰) نزدیکی و قرابت ابوسفیان با رسول خدا از دیگر فضایل وی شمرده شده است؛ چرا که در جد سوم خویش به عبد شمس برادر هاشم از فرزندان عبد مناف می‌رسد. همچنین از مهم‌ترین فضایل وی اجابت سه درخواست وی از سوی رسول خدا یعنی درخواست ازدواج با دختر ابوسفیان ام‌حبیبه، کتابت معاویه و اجازه قتال با کفار به نقل از صحیح مسلم است. وی در ادامه به بیان شبهات وارد بر ابوسفیان و پاسخ بدان‌ها پرداخته است. از جمله شبهات مطرح پیرامون ابوسفیان که مصنف در کتاب خود مطرح و بدان پاسخ گفته است؛ اتهام وی به عدم اسلام آوردن و باقی ماندن بر کفر تا آخر عمر می‌باشد. همچنین عدم اعتقاد و باور وی به بهشت و جهنم (باتوجه به کلام وی در مجلس عثمان که خلافت را به گوی تشبیه کرده و توصیه به حفظ آن در میان بنی‌امیه داشت) اشاره کرد. شبهه دیگر طاعنین به ابوسفیان، بودن وی جزو منافقین جنگ یرموک باتوجه به خوشحالی وی برای غلبه بنی‌اصفر است. مصنف در پایان با اشاره به لعن ابوسفیان و فرزندانش توسط پیامبر ﷺ شبهات مطرح درباره ابوسفیان را به پایان می‌رساند.

دکتر شحات رمضان جمعه در ادامه این بخش به فضیلت‌تراشی برای مادر معاویه و همسر ابوسفیان یعنی هند بنت عتبّه (أکلة الاکباد) و دفع شبهات وارد بر وی پرداخته است. مصنف در این بخش با هر آیه عامی که در قرآن وجود داشته که بتوان هند و ابوسفیان را در آن داخل نمود استفاده کرده و از هر حدیث و آیه‌ای که بتوان برای این خانواده فضیلتی برداشت کرد، بر خلاف مسلمات تاریخی مصادره به مطلوب نموده است؛ تا بدان جا که عفت وی را در دوران جاهلیت از فضایل وی برشمرده



و عامل کشتن و خوردن جگر حمزه سیدالشهدا علیه السلام را به غیر او نسبت داده و بیشتر این اتهامات را ناشی از فیلم و سریال‌ها دانسته است نه حقایق تاریخی. (لا یعرفون هند بنت عتبه بن ربیعہ الا بقصه اکلها من کبد حمزه کما فی الافلام و المسلسلات).^۱

۳. معاویه بن ابی سفیان

در فصل سوم کتاب، ابتدا به بیان فضایل و مناقب معاویه پرداخته شده است. از جمله روایتی از رسول خدا که در حق معاویه چنین دعا نموده است «پروردگارا او را پیشوای هدایت‌کننده و هدایت‌شونده قرار ده و دیگران را به واسطه او هدایت نما» (مصنف پس از ذکر این روایت به بررسی رجالی این روایت در هفت صفحه پرداخته است).^۲ یا در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از مسند احمد حنبل، به دعای دیگر رسول خدا در حق معاویه اشاره کرده "اللهم علم معاویه الکتاب و الحساب و قه العذاب" و در نه صفحه به بررسی رجال حدیث و شبهات پیرامون آن می‌پردازد.^۳ در ادامه با سرشماری و بررسی شبهات وارد بر معاویه و پاسخگویی بدین شبهات پرداخته است. از مهم‌ترین این شبهات کینه و ناراحتی مردم از معاویه به خاطر موضع‌گیری وی در برابر امام علی علیه السلام و جریان حکمیت است که به بررسی و پاسخ به این شبهه در ۴۸ صفحه پرداخته است.^۴

۴. یزید بن معاویه

در بخش چهارم کتاب به معرفی یزید بن معاویه از کتاب لسان المیزان و تقریب التهذیب پرداخته و بر خلاف سایر رجال بنی‌امیه که ابتدای فصل را با ذکر فضایل و مناقب آنها آغاز می‌نمود، به بیان روایات و نصوص تاریخی در مذمت یزید و بررسی سندی این روایات و تضعیف آنها پرداخته و به نقل از ابن کثیر می‌گوید:

و آورد ابن عساکر احادیث فی ذم یزید بن معاویه کلها موضوعة لا یصح شیء منها و اجود ما ورد ما ذکرناه علی ضعف اسانیده و انقطاع بعضه،

۱. ص ۳۰۲.

۲. ص ۳۱۰.

۳. ص ۳۱۹ تا ۳۲۹.

۴. ص ۴۲۴ تا ۴۷۲.

والله اعلم.^۱

مصنف در ادامه بابی با عنوان ما انتقد علیه و اتهم به: اتهامات و انتقادات وارد بر یزید بن معاویه، به پاسخگویی شبهات و مطاعن وارد بر وی می‌پردازد. دکتر شحات رمضان جمعه در جواب ششمین انتقاد و اتهام یزید «وقعة خروج الحسين بن علي رضي الله عنه و مقتله»، این واقعه را فاجعه‌ای بزرگ و مصیبتی عظیم که مسلمانان بدان مبتلا گردیدند معرفی کرده است. وی قبل از بحث پیرامون این موضوع به بیان مقدمه‌ای درباره مدح و ستایش پیامبر درباره صلح و نکوهش جنگ پرداخته است. وی با اشاره به کلام رسول خدا درباره امام مجتبی‌علیه‌السلام که فرمودند: «همانا این فرزندم آقاست و امید است خداوند به واسطه او، بین دو طایفه از مسلمانان صلح برقرار سازد» به مدح و ستایش امام مجتبی به خاطر صلح با معاویه جهت جلوگیری از ریختن خون مسلمانان و دوری جستن از ریاست پرداخته است. مصنف با کنایه به قیام اباعبدالله‌علیه‌السلام که به وصیت برادرش امام مجتبی‌علیه‌السلام درباره عدم اعتماد به مردم کوفه عمل نکرده است؛ عامل شهادت وی را شیعیان و کوفیانی که برایش نامه نوشتند می‌داند.^۲ در ادامه به ذکر گفتگوی بسیاری از صحابی رسول خدا مانند عبدالله بن عمر، ابن عباس، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله، ابن زبیر و دیگرانی از تابعین مانند محمد بن حنفیه، ابوبکر بن عبدالرحمن بن الحارث، یزید بن الاصم که همگی حضرت را از رفتن به عراق نهی کرده و برخی به بیعت با یزید دعوت کرده بودند پرداخته و سرانجام این نافرمانی حسین بن علی‌علیه‌السلام را مصیبت بزرگ قتل وی و ابتلای عظیم جامعه اسلامی به دعوت مردم نیرنگ‌باز کوفه در دعوت از حسین بن علی‌علیه‌السلام دانسته است. در ادامه با عنوان «موقف بنی‌امیه من خروج الحسين» و اشاره به نامه مروان به عبیدالله و برحذر داشتن وی از جنگ با امام حسین و نامه عمرو بن سعید بن عاص به عبیدالله بن زیاد اشاره شده است. در صفحات بعد با عنوان «من قتلة الحسين» با ذکر کلماتی از برخی صحابه، کوفیان را قاتل امام حسین‌علیه‌السلام معرفی کرده و با اشاره به پشیمانی یزید (علیه اللعنة) در هنگام مواجهه با رأس ابی‌عبدالله‌علیه‌السلام و سرازیر شدن اشک چشمان یزید، به گفته وی عبیدالله بن زیاد را عامل شهادت حضرت معرفی کرده است.

۱. البدایه و النهایه ج ۸، ص ۲۳۱.

۲. ص ۵۰۱.

مصنف در انتهای این بخش با اشاره به کلام ابن تیمیه می‌گوید:

خدا و رسولش امر به صلاح و اصلاح داده‌اند نه فساد؛ لکن اجتهاد و نظر، گاه مصیب به مصلحت و واقع است و گاه به خطا می‌رود و روشنی این کلام آشکار است. لکن حسین بن علی علیه السلام در خروج بر یزید نه به مصلحت دین رسید و نه مصلحت دنیا. بلکه این خروج مقدمه‌ای برای قدرت‌یافتن گروهی ظالم و سرکش بر حسین بن علی گردید به‌گونه‌ای که وی را مظلومانه به شهادت رساندند و فساد عظیم این خروج و قتل وی به‌قدری بزرگ بود که در صورت نشستن وی در خانه و عدم خروج وی این فساد در جامعه اسلامی رخ نمی‌داد. بدین ترتیب حسین بن علی به آن قصد خیری که بدان قیام کرد نرسید و شری را که به‌دنبال دفع آن بود حاصل نگردید. بلکه با خروج و قتل وی جز شر چیزی عاید مسلمانان و جامعه اسلامی نشد و به خیری که مورد نظرش بود نرسید که ثمره این تصمیم غلط، مصیبت و شر بزرگی بود که مسلمانان بدان دچار گردیدند.^۱

دکتر رمضان جمعه با اشاره به واقعه حره و عظمت این فاجعه به بررسی روایات پیامبر درباره نفرین کسی که به مدینه و اهل آن قصد شر رساندن داشته باشد پرداخته و دیدگاه علما را نسبت به یزید بن معاویه، به سه قول تقسیم نموده است و می‌گوید:

دسته اول به‌واسطه ظلم و جنایتش نسبت به اهل مدینه و کشتن حسین بن علی علیه السلام لعن وی را جایز می‌دانند؛ دسته دوم در محبت نسبت به وی دچار غلو شده و او را امامی عادل و هدایت شده از سوی خدا دانسته و می‌گویند: هر کس درباره عدالت و امامت او شک کند خداوند او را در آتش جهنم ننگه خواهد داشت (من وقف فی یزید وقفه الله علی نار جهنم)؛ و دسته سوم افراد میانه‌رو از پیروان امام احمد حنبل هستند که نه او را لعن می‌کنند و نه محبت وی را شرط دین می‌دانند.^۲

۱. ص ۵۴۵.

۲. ص ۵۵۷.

۵. معاویة بن یزید بن معاویة

مصنف در بخش پنجم کتاب، به معرفی معاویة بن یزید بن معاویة (معاویة ثانی) پرداخته است. وی در این بخش به طور خلاصه (یک صفحه)، پس از معرفی به رفع شبهه قدری بودن وی به خاطر کناره‌گیری از خلافت پرداخته است. همچنین داستان زنده‌به‌گور کردن معلم و مودب وی عمرو بن مقصوص توسط بنی‌امیه را ضعیف می‌داند.

۶. مروان بن حکم بن ابی العاص

مصنف در بخش ششم کتاب به معرفی مروان بن حکم بن ابی العاص ابتدا به عدم اسناد داستان لعن و تبعید پدرش توسط پیامبر پرداخته و کوچ وی را اختیاری دانسته است. همچنین با توجه به سال تولد مروان و هجرت پدرش از مدینه وی را از طبقه اولین تابعین دانسته است. مصنف در بخشی با عنوان "ما اتهم به مروان بن الحکم" به بررسی و پاسخ شبهات پیرامون شخصیت مروان و عملکرد وی پرداخته است. از مهم‌ترین این شبهات، اتهام وی به دشمنی با اهل بیت، متهم بودن وی در قتل عثمان و قتل طلحة بن عبدالله و خروج وی بر علیه عبدالله بن زبیر پرداخته است. در انتها نیز با برشماری احادیثی که به نکوهش مروان پرداخته به بررسی و نقد رجالی این روایات همت گمارده است.^۱

۷. عبدالملک بن مروان بن الحکم بن ابی العاص

مصنف در بخش هفتم از رجال بنی‌امیه به معرفی عبدالملک بن مروان و بیان فضایل وی و بیان اتهامات وی در سه صفحه پرداخته است. وی با استناد قول ابن ادریس به نقل از اعمش، عبدالملک بن مروان را یکی از فقهای چهارگانه مدینه معرفی کرده است. در ادامه نیز با استناد به کلام ابن حجر درباره وی می‌گوید: او پیش از خلافت از طالبان و اهل علم بود؛ اما پس از رسیدن به خلافت بدان مشغول گشت و احوالش دگرگون شد. مصنف در انتها و فقط در سه خط با عنوان «و ینکر علیه» به بیان اسباب اتهام وی مانند خروج وی بر علیه ابن زبیر خلیفه شرعی مسلمانان و هتک حرمت والی، سکوت وی در برابر مصائب و بلاهای حجاج مانند تخریب کعبه با منجیق و کشتن ابن زبیر پرداخته است.

و. نقد نظریه عوامل تحریف تاریخ بنی‌امیه و اقبال مسلمانان به آن

مصنف در برابر هجمه‌ها و مطاعن وارد بر بنی‌امیه به‌جای پاسخ علمی و منطقی متأسفانه بدون تتبع کافی و رویکردی گزینشی با متون تاریخی و ثابت نزد اهل سنت و حتی افراد متعصب آنان چون ابن تیمیه به دفاع از شخصیت‌های بنی‌امیه و عملکرد آنان پرداخته است.

وی در اولین مورد از اسباب تحریف تاریخ بنی‌امیه، رجال و شخصیت‌های این سلسله منحوس و تهمت‌های ناروا به آنان را به‌عنوان اولین دلیل این تحریف بیان می‌دارد! آیا این شخصیت‌ها اصلاً قابل دفاع هستند و حتی بزرگان اهل سنت خود برای آنان فضیلتی برشمرده‌اند؟ برای نمونه با مراجعه به مهم‌ترین کتب صحاح اهل سنت که آن را هم‌تراز قرآن می‌دانند بخاری در هنگام ذکر فضایل صحابه، با عبارت " ذکر معاویة " فقط به نام او بسنده کرده و از آوردن واژه فضیلت برای معاویه خودداری نموده است. همچنین ابن تیمیه امام تکفیری‌ها درباره وی می‌گوید: «در فضیلت معاویه احادیثی به پیامبر نسبت می‌دهند، همه آن‌ها دروغ است». همچنین ابن عسکر در تاریخ دمشق ضمن بیان نامه امیرالمؤمنین به معاویه وی را از طلاق دانسته است. «واعلم یا معاویة أنك من الطلقاء الذین لا تحل لهم الخلافة»^۱

اما درباره یزید بنا به نقل مصنف پس از ذکر واقعه حره می‌گوید: «برخی از علمای اهل سنت قایل به وجوب لعن وی شده‌اند و عده‌ای در جواز لعن احتیاط و توقف کرده‌اند» همچنین به نقل از احمد حنبل از قول رسوا خدا ﷺ گوید:

«هرکس از روی ظلم موجب هراس اهل مدینه گردد، خداوند او را در دنیا بترساند و بر او باد لعن و نفرت خدا و ملائکه و جمیع مردم، و خداوند روز قیامت از گناه و ظلم او نخواهد گذشت»^۲.
با وجود چنین روایاتی از رسول خدا در کتب صحاح اهل سنت مانند مسند احمد حنبل و صحیح بخاری و مسلم^۳ و مصیبت واقعه حره به‌دست یزید آیا جایی برای فضیلت باقی می‌ماند؟ آیا این مصیبت‌ها و فاجعه‌های بزرگ، نسبت ناروا به خلفای بنی‌امیه مانند یزید و معاویه و حجاج است یا حقیقت تاریخ؟

۱. تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۵۹، ص ۱۲۸.

۲. مسند احمد حنبل ج ۴، ص ۵۵.

۳. ص ۵۵۴.

مصنف از دیگر دلایل تحریف تاریخ مشعشع بنی‌امیه را نگارش تاریخ در دوران بنی‌عباس بیان کرده است و این رقابت سیاسی را فقط بین بنی‌امیه و بنی‌عباس در نظر گرفته است؛ حال آنکه این رقابت سیاسی پیش از قدرت‌گرفتن بنی‌امیه، بین بنی‌هاشم و بنی‌امیه جاری بوده است و ریشه تمام نبردها و جنگ‌های بزرگان قریش و بنی‌امیه از جمله ابوسفیان با پیامبر ﷺ قبل از فتح مکه و بر سر حاکمیت بر جزیره‌العرب بین بنی‌هاشم و بنی‌امیه گواه این مسئله است. همچنین بر ساختن احادیث فراوان در مدح و ستایش بسیاری از سران بنی‌امیه مانند ابوسفیان، معاویه، یزید و دیگر افراد بنی‌امیه به دستور معاویه و در زمان حکومت این سلسله منحوس صورت گرفته است.

مصنف دشمنی دیرینه و کورکورانه و استفاده ایزاری حاکمان و سیاستمداران از برخی گروه‌ها مانند خوارج و شیعیان را دیگر عامل تحریف تاریخ می‌داند حال آنکه نقش سیاسی خوارج بعد از نبرد نهروان به شدت تضعیف شده و از صفحه روزگار محو گردیدند؛ اما شیعه مخالفت با بنی‌امیه و بنی‌عباس را از اصول ثابت مواجهه سیاسی خود با این دو قدرت حاکم می‌داند و همیشه با رهبری امامان خویش در نرمشی قهرمانانه و سیاستی استوار در مقابل این دو قدرت ستمگر قرار گرفته است نه ایزاری در دست حاکمان عباسی یا اموی. این مسئله در کتب روایی و تاریخی شیعه و سنت امامان وی فراوان نقل شده است. مصنف بدون تتبع کافی در منابع شیعی، تعصب و برخورد گزینشی از کنار موضع‌گیری اهل بیت پیامبر حتی امیرمؤمنان و امام مجتبی علیهماالسلام به سادگی عبور کرده و بدون اهمیت بدان‌ها فقط به گزارش برخی نصوص شاذ اهل سنت پرداخته است.

مصنف از دیگر عوامل مؤثر در تحریف تاریخ بنی‌امیه را، انتقال حکومت از شورا به پادشاهی دانسته است. وی ابتدا باید به این پرسش پاسخ دهد که آیا این تغییر در شیوه تعیین حاکم به واسطه اجماع مسلمانان به پادشاهی و موروثی درست بوده است یا خیر؟ اگر از ابتدا اشتباه بوده است پس وی به سنت شیخین ایراد گرفته است و باید به اهل سنت درباره مخالفت معاویه با سنت شیخین پاسخ دهد؛ و شخص معاویه به مخالفت با سنت شیخین متهم می‌گردد؛ حال سؤال این است؛ آیا این تغییر مطابق سنت خلفای راشدین و با اجماع مردم بود یا بدعتی ظالمانه از سوی معاویه برای باقی‌گزاردن خلافت در نسل خود بنا به سفارش پدرش ابوسفیان؟

وی عامل دیگر تحریف تاریخ بنی‌امیه را فتنه‌ها و اتفاقات و وقایع اواخر حکومت سومین از خلفای راشدین جناب عثمان بن عفان مانند " فتنه عبدالله بن سبا یهودی، دسیسه یهودیان، پشتیبانی مجوسیان از آنان و مکر و حيله نصاری دانسته است. به گونه‌ای که حکومت او را ضعیف و

ناتوان شمردند و والیان قوی و مقتدرش را ظالم و بی‌رحم نامیدند.

درباره حقیقت وجود عبدالله بن سبأ و نقش وی در تاریخ بین مورخان و اندیشمندان اختلاف است. برخی مانند علامه عسکری وجود چنین شخصی در تاریخ را رد کرده است. اما مشکل مصنف در اتهاماتی است که به پیروی از القفاری در کتاب اصول الشیعه الاثنی عشریه، با مبالغه در نقش عبدالله بن سبأ در تاریخ اسلام قایل شده‌اند (بنا بر قول به وجود وی). وی با یهودی دانستن ابن سبأ وی را بنیان‌گذار شیعه دانسته است؛ و اصالت وجود و تفکر شیعیان را با استناد به این نظریه به یهود منتسب کرده است. مصنف در این بخش با تکرار نظریات القفاری^۱ به متهم کردن و انتساب شیعیان به یهود پرداخته است. (مقالات فراوانی در جواب القفاری و ادعاهایش نسبت به شیعه نوشته شده است).^۲

مصنف از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحریف تاریخ بنی‌امیه و قبول این روایات را مصیبت قتل حسین بن علی علیه‌السلام می‌داند. مصنف در شرح این ماجرا و دفاع از یزید علیه‌اللعنه با کنایه به عمل نکردن امام حسین علیه‌السلام به وصیت برادرش امام حسن علیه‌السلام در عدم اعتماد به مردم کوفه، عامل این مصیبت و فاجعه عظیم را قدرت‌طلبی و ریاست‌طلبی ایشان دانسته است و با استناد به روایت رسول خدا درباره امام مجتبی علیه‌السلام که او را سید و سرور خوانده و بشارت صلح او را بین دو گروه مسلمانان داده است؛ به مدح و ستایش این عکس‌العمل امام مجتبی بنا به وصیت جد بزرگوارشان پرداخته است. همچنین با برشماری روایاتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بیان فضیلت صلح و سازش و ترک جدال و خونریزی پرداخته است. اما مصنف با برخورد گزینشی نسبت به کتب تاریخی، روایات، شخصیت‌ها و مصادره به مطلوب به دنبال اثبات نظریه از پیش تعیین شده خود است، نه پژوهش و پاسخ علمی و منطقی. اگر حرکت امام حسین علیه‌السلام را به خاطر قیام مقابل یزید اشتباه بدانیم به تحقیق اشتباه معاویه در قیام و شورش مقابل امام علی علیه‌السلام بزرگ‌تر و آشکارتر است؛ زیرا وی یاغی بوده و قیام وی به قصد تضعیف حاکم منتخب مردم و به دست آوردن قدرت صورت گرفته است. درحالی‌که امام حسین علیه‌السلام بعد از مرگ معاویه و قرار بر عدم تعیین جانشین و خلیفه از سوی وی، حاضر نشد با

۱. القفاری، ناصر بن عبدالله؛ مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه - عرض و نقد.

۲. زارع بوشهری، محمد؛ نقد تاریخی - کلامی نظر ناصر القفاری درباره پیدایش تشیع.

یزید بیعت کند. پس یزید حکومتش مشروعیت نداشت و امام حسین علیه السلام قیامش به حق و ظلم یزید آشکار است. آیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فرزند دیگرشان امام حسین ع و محبت و دوستی نسبت به او سفارش نفرمودند؟ آیا از دشمنی با او نهی نکردند؟

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، نا أَبُو أَحْمَدَ، نا سُفْيَانُ، عَنْ أَبِي الْجَحَّافِ، عَنْ أَبِي حَازِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَبَّهُمَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي، يَعْنِي حَسَنًا، وَحُسَيْنًا»^۱.

آیا پیامبری که امر به صلح و سازش نموده و از جنگ و قتال نهی کرده است؛ از پیمان شکنی نهی نکرده است؟ آیا در پیمان نامه میان امام مجتبی علیه السلام و صلح و سازشی که برای جلوگیری از ریخته شدن خون مسلمانان (بنا به نقل مصنف) صورت گرفت، بر اموری چون عدم تعیین جانشین از سوی معاویه توافق نشد؟ آیا زیر پا گذاشتن عهد و پیمان از بزرگترین گناهان نیست که مصنف حسین بن علی علیه السلام را به شورش بر علیه خلیفه به حق زمان خویش و طلب رسیدن به قدرت و حکومت متهم کرده است؟ ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَفْضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾. آلوسی در تفسیر روح المعانی ذیل آیه ۲۲ سوره محمد از احمد حنبل درباره لعن یزید می گوید:

أَنَّ الْإِمَامَ أَحْمَدَ لَمَّا سَأَلَهُ وَلَدَهُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ لَعْنِ يَزِيدَ قَالَ كَيْفَ لَا يَلْعَنُ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ قَدْ قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِ لَعْنَ يَزِيدَ فَقَالَ الْإِمَامُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ الْآيَةَ وَأَيُّ فِسَادٍ وَقَطِيعَةٍ أَشَدَّ مِمَّا فَعَلَهُ يَزِيدٌ.^۲

۱. فضایل الصحابه لامام احمد بن حنبل ج ۲، ص ۷۷۱، ح ۱۳۵۹.

۲. تفسیر روح المعانی، ج ۱۳، ص ۲۲۷.

البته نباید از معاویه در وفای به عهد و پیمان، انتظاری بیش از پدرش ابوسفیان داشت و از یزید بن معاویه انتظاری بیش از مادر بزرگش هند جگرخوار در کینه و نفرت نسبت به رسول خدا و اهل بیت او! مصنف واقعه حره در مدینه و کشتن آل زبیر و به منجنيق بستن کعبه را از دیگر اسباب تأثیرگذار تحریف تاریخ تحریف تاریخ بنی امیه را دانسته است. آیا این وقایع حقیقتاً در خارج اتفاق افتاده است یا خیر؟ در کدام زمان و ولایت کدام خلیفه چنین جنایاتی رخ داده است؟ این سه واقعه بزرگ یعنی شهادت امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا، مصیبت بزرگ واقعه حره و کشتن آل زبیر و ویران کردن کعبه با منجنيق، جز در سه سال حکومت یزید علیه اللعنه اتفاق افتاده است؟ آیا چنین شخصی طبق نظر بسیاری از بزرگان اهل سنت و روایات صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستحق لعن و نفرین الهی نیست؟ دلیل تطهیر و تقدیس این افراد از سوی مصنف و این جریان فکری چیست؟ در بخش چهارم کتاب مصنف با تکرار ادعاهای ابن تیمیه و نسبت دادن این جنایات به غیر شخص خلیفه و نقل گزارش‌های شاذ، به دنبال نسبت دادن این جنایات به غیر یزید یعنی ابن زیاد و پاک کردن این لکه ننگین از چهره سیاه یزید و خاندان بنی امیه است. حال آنکه وقوع این جنایات از سوی خلیفه اموی یزید و به دستور وی از اخبار متواتر تاریخی است. آیا حضور دوازده هزار نفر در کربلا مقابل حسین بن علی علیه السلام بدون هماهنگی حاکم جامعه صورت گرفته است؟ یا واقعه حره در مدینه و آن فاجعه عظیم و تخریب خانه خدا در مکه بدون هماهنگی و اذن خلیفه صورت گرفته است؟ اگر این چنین باشد، باید در مدیریت و توانایی سیاسی حاکم شک کرد! حال آنکه مصنف وی را یکی از مقتدرترین حکام بنی امیه به شمار می آورد. البته این دیدگاه از جهتی درست است؛ زیرا یزید به عنوان حاکم می تواند برای حفظ اقتدارش و خاموش کردن صدای مخالفین و معترضین با گماردن افراد سفاک و ظالمی چون عبیدالله بن زیاد بر ولایت کوفه، اباحه جان و مال و ناموس مردم مدینه تا سه روز بر سپاه مسلم بن عقبه و به منجنيق بستن کعبه و سرکوب مخالفین، اعتراض مردم را به آتشی در زیر خاکستر تبدیل کند. البته خلیفه نگون بخت، ثمره این برخوردها را در دوران کوتاه ولایتش بر جامعه اسلامی به خاطر کوتاهی عمرش نتوانست نظاره کند! بلکه خلفای بعد از او چون مروان، عبدالملک و حجاج و دیگران به خاطر سیاست‌های غلط یزید و فجایع واقع شده در دوران حکومتش مجبور به کشتن خون خواهان حسین بن علی و آل زبیر و دیگران گردیدند!

مصنف از دیگر اسباب قبول روایات تحریف شده تاریخی درباره بنی‌امیه را شدت محبت مردم به آل‌البیت و مصائبی که بر آنان وارد شده دانسته است. آیا این محبت امری فطری و درونی بود یا به دستور خدای تبارک‌وتعالی؟ این علاقه و محبت مسلمانان به اهل‌بیت پیامبر دستور خداوند تبارک و تعالی و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. «قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» آیا امت اسلامی و مسلمانان را به‌خاطر عمل به آیه قرآن و دستور پیامبر نکوهش می‌کنید؟ با احادیث صحیح‌ه فراوانی که در فضیلت اهل‌بیت پیامبر در معتبرترین کتب اهل‌سنت مانند بخاری، مسلم، مسند احمد حنبل و دیگر صحاح سته نقل شده چه می‌کنید؟

مصنف در نهایت با اشاره به نکته‌ای قابل‌تأمل می‌گوید:

خوارج نیز مانند آل‌البیت بلکه بیشتر دچار مصیبت و بلاهای بزرگ گردیدند، با این‌وجود جنگ‌هایی که بر علیه آنان صورت گرفت به‌واسطه ضرورتی که مصلحت دولت در آن بود توجیه می‌گردد؛ و این حکمی درست و به حق است؛ درحالی‌که گروهی، برخی قیام‌های افراد آل‌البیت را به حق، و دولت‌ها را ظالم و گناهکار به مردم نمایانده‌اند! آیا این انصاف است؟ در صورتی‌که خوارج خواستار شورا و تطبیق اسلام بودند، اما دیگران (برخی افراد شورشی آل‌البیت) درحالی‌که خود منتقد خلافت و حکومت موروثی (بنی‌امیه) بودند به‌دنبال تسلیم خلافت برای گروهی خاص (آل‌البیت) به‌صورت موروثی بودند! آیا موروثی بودن حکومت برای شما اجر و پاداش و برای ما وزر و گناه را به‌دنبال دارد؟"

مصنف دیگر عامل تحریف تاریخ بنی‌امیه را بالاگرفتن اختلاف و جنجال میان دو صحابی بزرگوار رسول خدا یعنی علی بن ابی‌طالب و معاویه بن ابی‌سفیان دانسته است و می‌گوید:

هرکدام از آنها برای مصلحت مسلمین و پیروی در مسیر حق قدم برداشت و تلاش نمود. برخی نصوص تاریخی به حق، در این باره اشاره نموده‌اند. حق خون‌خواهی برای خلیفه بوده و هیچ‌کس حق مخالفت با او را ندارد؛ و هر کس بر اساس تشخیص و اجتهاد خویش عمل کرده است و اصابت به حق در این

مورد برای گروهی بیشتر و خطای دسته دیگر بیشتر بوده است. لکن هرکدام بر اجتهاد و تشخیص خویش عمل به حق کرده و هر دو مأجور هستند.

آشوب و جنگ افروزی مقابل حاکم اسلامی از مصادیق فتنه‌گری در دین است، شخص فتنه‌گر یاغی بوده و در صورت افساد فی الارض محارب شمرده می‌شود. معاویه آغازگر این فتنه افروزی و تضعیف حکومت اسلامی بود؛ لذا بر خلاف نظر مصنف، نه تنها مصیب نبوده است؛ بلکه باید پاسخگوی خون‌های ریخته شده در صفین، نهروان و تضعیف حکومت اسلامی باشد. جنگ و فتنه مقابل حکومت گناهی نابخشودنی است و خوارج چون مقابل حکومت ایستادند و جنگ را خود آغاز نموده و دست به کشتار و غارت زدند، علی علیه السلام در نهروان به مقابله با آنها پرداخت و کشته شدند. اما سهم آن از بیت‌المال قطع نشد و تا آخرین لحظه از آزادی بیان مقابل بالاترین مقام حکومت یعنی شخص خلیفه برخوردار بودند و امام علی علیه السلام هرگز به خاطر اعتراض آنان به حاکم جامعه اسلامی سهم آنان از بیت‌المال را قطع نکرد (برخلاف عثمان و دیگر خلفای بنی‌امیه) و تا دست به سلاح نبرده بودند به نبرد با آنان پرداخت. (بر خلاف یزید در جریان شهادت امام حسین علیه‌السلام) اما درخواست آنان برای تشکیل شورا به دلیل فریب و خدعه‌ای بود که توسط معاویه با برافراشتن قرآن بر نیزه جهت فرار از شکست صورت گرفته بود؛ لذا پس از جریان حکمیت و نرسیدن به نتیجه دلخواه، از علی علیه السلام خواستند که بلافاصله به جنگ معاویه برخیزد و امام با توجه به طولانی شدن جنگ و شرایط پیش آمده، برگشت دوباره به نبرد را بدون تجهیز لشکر، مصلحت ندانست؛ و خوارج که گروهی افراطی و تندرو در برابر حق بودند، مقابل کلام حق حاکم جامعه ایستادند و وی را به بازگشت به کفر متهم نمودند؛ لذا بر علیه حاکم جامعه خروج کرده و به خوارج معروف گردیدند همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره آنان پیش‌بینی کرده بود.

سیکون له شیعة یتعمقون فی الدین حتی یخرجوا منه کما یخرج السهم

من الرمية^۱

باید توجه داشت که ممانعت از بیعت در دوران جانشین بر حق رسول خدا یعنی امام علی علیه‌السلام، به‌عنوان اخراج بر حکومت شمرده نمی‌شد (اشاره به عدم بیعت محمد بن مسلمه،

۱. مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۳۱۸.

عبدالله بن عمر، اسامه بن زید، سعد بن ابی وقاص، کعب بن مالک، حسان بن ثابت و عبدالله بن سلام در حکومت علی علیه السلام؛ و کسی از آنان به زور بیعت نگرفت و عدم بیعت آنان را خروج بر حکومت نشمرد. علی علیه السلام در این باره می فرماید: به صلاح آوردن دشمنان با سخن نیک و رفتار زیبا آسان تر است از رودررو شدن و پیکار با آنان با درد و رنج نبرد.^۱ حال آنکه برخی از این افراد در دوران حکومت یزید با توجه به برخورد های خشن و ظالمانه خلیفه با وی بیعت کردند، اما نه از روی اختیار و به خاطر اقتدار خلیفه، بلکه این بیعت برای درامان ماندن از ظلم و ستم حاکم سفاک جامعه بوده است.

مصنف دیگر عامل تحریف تاریخ بنی امیه را تصویر نورانی ساخته شده از علی علیه السلام در ذهن مسلمانان دانسته است. "از زمان کودکی تا هنگامی که به عنوان جوانی مجاهد و مدافع از مسلمانان در برابر مشرکین جهاد و تلاش می کرد، همچنین کناره گیری وی از عرصه جهاد به خاطر میل و رغبت خلیفه دوم به مشورت گرفتن از او" این تصویر ساخته شده از علی علیه السلام در ذهن مسلمانان از دیدگاه مصنف باعث بدبینی به خلفای اموی و معاصرین زمان حضرت گردیده است.

این حقیقت تصویر نورانی علی علیه السلام از ابتدای ولادت و تربیت در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اول مؤمن به رسول خدا، همسر یگانه دختر برگزیده رسول خدا سرور زنان جهان، امام المتقین علی بن ابی طالب است که بیست و پنج سال از حکومت اسلامی کنار گذاشته شد؛ اما به خاطر عدم تزلزل پایه های حکومت قیام نکرد و از حق مسلم خویش به خاطر عظمت اسلام و وصیت پیامبر چشم پوشید. زیرا در صورت قیام دیگر این تمدن نوپای اسلامی با وجود دشمنان دیرین اسلام چون ابوسفیان و منافقین داخلی که در دوران حیاتش از آزار و اذیت آنان در امان نبود، به فارس و روم نمی رسید. در زمان حکومت نیز نحوه حکومت داری امام علی علیه السلام الگویی برای تمام مسلمانان و جهانیان است. برخورد علی علیه السلام با باقیماندگان از جمل مانند عایشه همسر پیامبر و حفظ حرمت او پس از جنگ و خروج علیه خلیفه، مروان و دیگران و گذشت امام از آنان بسیار شبیه برخورد رسول خدا با ابوسفیان و هند و گذشت حضرت از آنان است. هنگامی که این برخورد را با برخورد یزید با

۱. غررالحکم، ج ۱۹۲۶.

اهل بیت و نوه رسول خدا مقایسه کنیم چیزی جز کینه، نفاق و دشمنی با اهل بیت پیامبر نمی بینیم. آیا حسین بن علی مانند اهل جمل به شهری شورش برده و محلی را ناامن کرده بود؟ بنی امیه به کدامین جرم و گناه با حسین بن علی این گونه برخورد کردند؟

امام حسین علیه السلام به خاطر به پایان رسیدن زمان معاهده و صلح امام مجتبی با معاویه و نقض پیمان از سوی معاویه برای عدم تعیین جانشین از سوی خود و فسق و فجور علنی یزید قیام کرد و این قیام به حق برای اصلاح جامعه و بدعت های زمانه بود؛

ما خرجت أشرأ و لا بطراً و لا ظالماً و لا مفسداً، و إنما خرجت لطلب

الإصلاح فی أمة جدی رسول الله صلی الله علیه و آله.^۱

گذشت زمان درستی قیام حسین بن علی علیه السلام و علت عدم قبول پیشنهاد نصیحت کنندگان و مخالفین این قیام را چون عبدالله بن عمر، ابن عباس و دیگران، حتی بدون در نظر گرفتن فسق و فجور یزید و قیام حسین بن علی علیه السلام با وقوع فاجعه حره و تخریب کعبه برای همگان آشکار گردید.

مصنف در پایان با اعتراض به شیعیان نسبت و تصور تناقض نظر آنان درباره موروثی بودن خلافت در میان بنی امیه با موروثی بودن امامت، از این امر برآشفته و این داوری را ظالمانه دانسته است. حال آنکه امامت و خلافت از دیدگاه شیعه امری الهی و از پیش تعیین شده توسط خداوند بوده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دوران رسالت خویش و به دستور الهی در غدیر خم بدان تصریح کرده و جانشینان خویش را تا قیامت، از سوی خداوند تبارک و تعالی معین کرده است. باید توجه داشت که نگاه شیعه به خلافت به عنوان یک امر موروثی نیست، چنان که امام جواد علیه السلام با اینکه کودکی هشت ساله است بنا به تصریح امام قبل و حکم از پیش تعیین شده الهی به عنوان امام شیعیان معرفی می گردد، حال آنکه عموی پدرش یعنی علی بن جعفر با آنکه بیش از هشتاد سال سن داشته و از علما و دانشمندان شیعه بوده است؛ به عنوان امام معرفی نمی گردد و خود نیز این امر را باور داشته و امام جواد علیه السلام یعنی این کودک هشت ساله را امام و پیشوای خویش می داند. این باور برخلاف تصور و واقعیت موجود درباره حاکمان بنی امیه و بنی عباس است و مصنف با نگاهی فرقه ای همراه با تعصب

۱. مشیر الأحزان، ص ۴.

و بدون استدلال علمی برای رسیدن به نظریه مطلوب خویش، به چنین استدلال‌هایی روی آورده است.

نتیجه‌گیری

دکتر شحات رمضان جمعه در کتاب شبهات عن بنی‌امیه با ذکر مقدماتی تاریخی به بررسی دلایل دشمنی مسلمانان با برخی رجال بنی‌امیه پرداخته است. وی پس از بیان برخی فضایل ساختگی درباره افراد این خاندان با برشمردن مطاعن و شبهات وارده بر حاکمان بنی‌امیه به نقد و پاسخگویی به این شبهات پرداخته است. در کنار نقاط قوت ظاهری کتاب مانند کیفیت چاپ، حرفچینی و زیبایی جلد با تأمل و بررسی در میابیم که کتاب فوق از لحاظ فصل‌بندی از مشکلاتی چون عدم ترتیب مناسب مطالب و نظم ساختاری رنج می‌برد. از دیگر سو وجود متون مستبعد و شاذ، برخورد گزینشی، تفسیر به رأی، عدم تتبع کافی همراه با تعصب و گرایش‌های فرقه‌ای در پاسخ به شبهات از نقاط ضعف کتاب در مواجهه علمی با مسائل طرح شده در کتاب موردنظر است.

نگارنده این سطور در رساله‌ای جداگانه با عنوان "سیمای سیاسی بنی‌امیه در نهج البلاغه و متون کهن اهل سنت با رویکرد پاسخگویی به شبهات نوپدید سلفیان" به نقد و بررسی پاسخ‌های مؤلف نسبت به شبهات وارده بر رجال معاصر با امیرالمؤمنین علی علیه السلام از بنی‌امیه مانند عثمان، معاویه، ابوسفیان و مروان پرداخته است. نقد و بررسی پاسخ‌های مصنف در دفاع از دیگر شخصیت‌های بنی‌امیه در کتاب حاضر مانند یزید، معاویه بن یزید، عبدالملک مروان به دیگر پژوهشگران مباحث تاریخ اسلام، علوم حدیث و کلام پیشنهاد می‌گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. حزب علوی و حزب اموی، حیدری، محسن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، آلوسی، محمود بن عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، بی تا.
۴. شیہات عن بنی امیہ؛ السید الشحات رمضان جمعه، ابو عبدالرحمن؛ الرياض: مکتبه الرشد، دوم. ۱۴۳۵ق.
۵. غررالحکم و دررالکلم، آمدی، عبدالواحد، ترجمه: محمد علی انصاری؛ قم: موسسه انتشاراتی امام عصره علیه السلام، بی تا.
۶. فضائل الصحابة، احمد بن محمد بن حنبل، ابو عبدالله، بیروت: موسسه الرساله؛ اول، بی تا.
۷. مثير الأحزان، ابن نما حلی، جعفر بن محمد، قم: مدرسه امام مهدی، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق.
۸. مسند الامام احمد بن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل، ابو عبدالله، قاهره: دارالحديث، اول، بی تا.
۹. «نقد تاریخی - کلامی نظر ناصر القفاری درباره پیدایش تشیع»، زارع بوشهری، محمد، مجله تاریخ پژوهی، زمستان ۱۳۹۷ش.